

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۸

بررسی ادبیات داستانی کودک و نوجوان در ایران در دو دههٔ چهل و پنجاه از لحاظ
درونمایه با تکیه بر هجده داستان از یازده نویسنده

(ص ۴۵-۶۴)

علی اصغر بابا سالار (نویسنده مسئول)^۱، حسین المرعی^۲

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

بررسی درونمایه که همان فکر مسلط بر هر عمل ادبی، داستانهای کودک و نوجوان از اهمیت خاصی برخوردار میباشد، چرا که کشف درونمایه یا مضمون باعث شناخت بهتر عمل داستانی و شخصیت‌های آن میشود و در نهایت فهم عمیقتر کلام نویسندگان را در پی دارد. در این مقاله سعی شده با خواندن هجده اثر داستانی کودک و نوجوان که در دو دههٔ چهل و پنجاه نوشته شده، درونمایهٔ آثار آن دوره به دست آید. بررسی هجده اثر بر اساس یک رویکرد تحلیلی از محتوا انجام شده است که نتیجه‌های حاصل از آن درونمایه‌ها شامل درونمایه‌های شکاف طبقاتی ۳۳،۳۳٪، سیاسی ۲۲،۲۲٪، ماجراجویی ۱۱،۱۱٪، تلاقی حماسه و عرفان ۱۱،۱۱٪، کار جمعی ۱۱،۱۱٪، و درونمایهٔ مذهبی و تربیتی سرگرم کننده هر دو تنها با یک داستان ۵،۵٪ بوده است.

کلمات کلیدی: ادبیات داستانی، کودک و نوجوان، درونمایه

۱- مقدمه:

ادبیات داستانی کودک و نوجوان در مقایسه با تاریخ ادبیات عمومی، ادبیاتی بسیار جدید محسوب می‌شود و شکل معاصر آن به حدود دو قرن پیش بر میگردد. البته این به معنای عدم وجود آن قبل از این تاریخ نمیباشد. اما نوشتن و تألیف ادبیات مختص به کودکان و نوجوانان بسیار جدید بوده و به جای آن داستانهای منقول و شفاهی از طریق نسلها و به زبان پدر بزرگترها و مادر بزرگترها بوده است.

کتابهای داستانی مهمترین نوع کتابهای کودکان و نوجوانان و مؤثرترین آنها در روح و فکر بچه‌ها به شمار میروند. کودک با داستان، آسانتر ارتباط پیدا میکند و در قالب داستان میتوان کودک را با حقایق دنیا و مفاهیم خوب و پسندیده و زشتیها و پلیدیهای منفور اجتماع آشنا کرد. داستان چنان اهمیتی در شکل‌گیری شخصیت و اعتقادات و نظام فکری کودک دارد که میتوان آن را در شمار بهترین ابزار تعلیم و تربیت به حساب آورد. پس داستان یکی از بهترین ابزارهایی است که قادر است نیازهای کودک و نوجوان را در زمینه‌های مختلف برآورده سازد. نویسندگان دههٔ چهل و پنجاه داستانهایی برای کودکان و نوجوانان نوشته‌اند که به دیگر زبانها نیز ترجمه شده است. آنها داستانهایی اعم از اجتماعی، تمثیلی، تخیلی، اخلاقی را به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند.

درونمایهٔ ادبیات داستانی بازتاب قوانین زندگی انسان در اجتماع است یا خود، یک زندگی است. از همین رو، «کار داستان نویس، همانند کار جامعه‌شناس و روانکاو است. او با ابزار هنر برای کشف و تحلیل و تبیین قوانین و ساختارهای اجتماعی و بررسی شناخت و روان آدمها و روانشناسی تیپهای اجتماعی، پی‌کاو و جستجوگر است.» (ادبیات داستانی چیست، ص ۵۵). در حوزهٔ ادبیات داستانی، داستان برشی از یک زندگی است. در داستان نویسنده به یاری یک طرح منظم، شخصیت اصلی را در یک واقعهٔ اصلی نشان میدهد.

از این رو در این مقاله سعی شده است با خواندن هجده اثر داستانی کودک و نوجوان در دو دههٔ چهل و پنجاه، درونمایهٔ آثار آن دوره به دست آید. بررسی هجده اثر بر اساس یک رویکرد تحلیلی از درونمایه انجام شده است. علت انتخاب این داستانها موارد زیر است:

- محورهای این داستانها به گونه‌ای میبود که روح زمانی خود را به بهترین وجه نشان میداد و خواننده با کنکاش در لایه‌های زیرین متن میتواند رویکردهای کلی جامعه را دریابد.

- بسیاری از این داستانها بررسی نشده‌است، یا اگر هم بررسی شده به شکل گذرا بوده و خواندنی دقیق از درونمایه آنها صورت نگرفته است.

- این آثار از جمله بهترین داستان دورهٔ خود بودند که هم اکنون نیز خوانندهٔ خود را دارند

و تجدید چاپ میشود.

داستانهایی که مورد بررسی قرار گرفته، عبارتند از: ۱- سیبو و سار کوچولو، گروه سنی

بررسی ادبیات داستانی کودک و نوجوان در ایران در دو دههٔ چهل و پنجاه از لحاظ درونمایه و ... / ۴۷

(ج، د)، ۲- گل بلور و خورشید، گروه سنی: (ج)، ۳- روزنامهٔ دیواری مدرسهٔ ما، گروه سنی: (د)، (ه)، ۴- اولدوز و کلاغها، گروه سنی (ج، د)، ۵- پسرک و رویا، گروه سنی: (ج، د)، ۶- بستور، گروه سنی (د، ه)، ۷- کلاغها، گروه سنی (الف، ب)، ۸- دور از خانه، گروه سنی (ب و ج)، ۹- پهلوان پهلوانان، گروه سنی (ج)، ۱۰- سیل، گروه سنی (د و ه)، ۱۱- وقتی یکی شویم، گروه سنی (ب، ج)، ۱۲- مثل عاشورا، گروه سنی: (ج، د)، ۱۳- پسرک لبو فروش، گروه سنی: (ج، د)، ۱۴- ۲۴ ساعت در خواب و بیداری، گروه سنی: (ج، د، ه)، ۱۵- اولدوز و عروسک سخنگو، گروه سنی: (ج، د)، ۱۶- درخت خشک و باغ پر گل، گروه سنی: (ج)، ۱۷- ماهی سیاه کوچولو گروه سنی (ج، د) و ۱۸- داستان یک شیر واقعی گروه سنی: (ج، د).

۱-۱- پیشینهٔ پژوهش:

اگر چه در آثار متعددی به بررسی داستانهای کودک و نوجوان در این دو دهه پرداخته شده است؛ اما آن چه مشهود است، پژوهشی مستقل و مفصلی در مورد درونمایه در دههٔ چهل و پنجاه به ویژه هجده داستان منتخب انجام نشده است. در عین حال، از اهم کتابها و مقالاتی که بحث آثار داستانی کودک و نوجوان در این دو دهه میپردازد، میتوان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- عابدینی، حسن (۱۳۶۶): صد سال داستان نویسی در ایران. ۲- صادقی، فرخ (۱۳۵۷)، بررسی ادبیات کودک، ۳- دخت عماد خراسانی (میرانی)، نسرين (بی تا)، ادبیات کودکان و نوجوانان در عصر پهلوی. ۴- پور شهرام، سوسن (۱۳۸۹)، خوانشی ساختار گرایانه از داستان «کلاغها»ی نادر ابراهیمی ۵- خاکسار، نسیم (۱۳۵۲)، بررسی اولدوز و کلاغها و غیره.....

۱-۲- **ضرورت و اهمیت تحقیق:** با وجود اهمیت بسیار ادبیات کودک و نوجوان، پژوهش در زمینهٔ آثار این حوزه، اندک است. داستانهای کودک و نوجوان در دههٔ چهل و پنجاه قبل از انقلاب، مورد توجه جدی قرار نگرفته است. و بررسی داستانها از جنبه درونمایه برای رفع کاستیها و برای رشد و تکامل آن ضروری و مهم است. از این رو در این پژوهش هجده داستان از داستانهای کودک و نوجوان نویسندگان در دههٔ چهل و پنجاه قبل از انقلاب اسلامی از لحاظ مضمونی مورد بررسی قرار گرفته است. امید است این تحقیق بتواند راهنمایی، برای نویسندگان، پژوهشگران و علاقه‌مندان مقولهٔ ادبیات کودک و نوجوان باشد.

۱-۳- **فرضیه:** فرضیهٔ ما در این تحقیق مبتنی بر این است که اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان، تأثیر زیادی بر آثار نویسندگان و درونمایه داستانی ایشان دارد. بنابراین، نویسندگان در داستانهای قبل از انقلاب اعتقادات سیاسی و انقلابی خود را در قالب داستانهای نمادین بیان میکردند.

۱-۴- **روش انجام تحقیق:** روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی، واطلاعات از طریق جستجو در کتابخانه‌ها میباشد.

۲- بحث

در این قسمت تعریف درونمایه (مضمون)، راه‌های دستیابی به درونمایه و زندگی‌نامه نویسندگان ارائه می‌شود، سپس درونمایه‌های داستانها را تحلیل می‌کنیم.

۲-۱- تعریف درونمایه (مضمون):

درونمایه: تشکیل شده از «درون» به معنی داخل و میان، به اضافه مایه، به معنی اصل هر چیز، مصدر و اساس، و در مجموع، درونمایه به معنی اصل درونی هر چیز است. مضمون نیز در لغت به معنی در میان گرفته شده است یا آنچه از کلام و عبارت مفهوم شود میباشد. (فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۱۳۸۱) و در اصطلاح: «درونمایه و مضمون عبارت است از: «فکر اصلی و مسلط بر هر اثری است؛ خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده میشود و موقعیتهای داستان را به هم می‌پیوندد.» (همان، ۱۳۱)

بنا به عقیده جمال میرصادقی «درونمایه، عبارتند از: اندیشه که از تجربه مؤلف اخذ میشود؛ اندیشه که خود زندگی در اختیار او نهاده است» (عناصر داستان، ص ۱۷۶) همچنین «درونمایه داستان که گاه از آن به فکر اصلی یا مضمون و یا پیام داستان تعبیر میشود، دیدگاه و جهت گیری نویسنده نسبت به موضوع داستان است.» (مبانی داستان کوتاه، ص ۳۰)

۲-۲- راه‌های دستیابی به درونمایه

صاحب نظران، یک قانون مشخصی برای کشف درونمایه داستان ندارند. «بعضی اوقات، بهترین راه برای رسیدن به پیام داستان، این است که پرسیم شخصیت اصلی در داستان چه تغییری کرده است. گاهی هم میتوانیم پرسیم که اگر شخصیت اصلی تا انتهای داستان چیزی را آموخته یا عبرتی گرفته، آن چیز یا عبرت چیست. گاه نیز به بهترین راه، این است که درگیری اصلی داستان را مشخص کرده، حاصل درگیری را پیدا کنیم» (تأملی دیگر در باب داستان، ص ۶۸)

میتوان از عنوان اثر هم به درونمایه پی برد. «عنوان تفکر ما درباره آن اثر به جهت خاصی هدایت میکند یا اهمیت عنصری خاص را در اثر مؤکد می‌سازد. بندهائی از داستان که خود، حالت تفسیر یا اظهار نظر دارند، مثل عنوان در بحث از درونمایه اهمیت خاص می‌یابند» (عناصر داستان، اسکولز، ص ۲۳-۲۴) علاوه بر این «لحظه کلیدی، نقطه اوج و تأکیدهای نمادین نیز شواهد خوبی برای یافتن معنای داستان به شمار می‌روند (مبانی داستان کوتاه، ص ۳۲)

۲-۳- زندگی‌نامه نویسندگان:

ابراهیمی، نادر: نادر ابراهیمی قاجار کرمانی، نویسنده، مترجم، ویراستار و کارشناس ادبیات کودکان در ۱۴ فروردین سال ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد. جایزه نخست براتیلا وا،

بررسی ادبیات داستانی کودک و نوجوان در ایران در دو دههٔ چهل و پنجاه از لحاظ درونمایه و ... / ۴۹

جایزه نخست تعلیم و تربیت یونسکو، جایزه کتاب برگزیده سال ایران و چندین جایزه دیگر را هم دریافت کرده است او همچنین عنوان نویسنده برگزیده ادبیات داستانی بیست سال بعد از انقلاب به دست آورده است. (تاریخ ادبیات کودک و نوجوان در ایران، ص ۲۳۱).

برآبادی، محمود: نویسنده ادبیات کودک و نوجوان در نخستین روز شهریورماه سال ۱۳۳۱ در شهر سبزوار متولد شد. او نویسندگی را برای کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۵۰ آغاز کرد.

بهار، مهرداد: در دهم مهر ۱۳۰۸ زاده شد. مادرش از خانواده دولتشاهی کرمانشاه بود. معتقد بود، ادبیات کودکان باید فولکلور و اساطیر را به مخاطبان خود بشناساند، او در کنار دیگر فعالیتهايش، سه کتاب را برای کودکان بازنویسی کرد. وی در ۲۲ آبان ۱۳۷۳ درگذشت.

بهرنگی، صمد: صمد بهرنگی (۱۳۱۸-۱۳۴۷) از روستا قد کشید و در «ارس» خفت؛ معلمی دلسوز و مسؤول بود منتقد اجتماعی، مترجم، داستان‌نویس و محقق در زمینه فولکلور آذربایجانی بود. «آشنایی با ادبیات معاصر ایران، ص ۱۴۹). صمد بهرنگی بر آن بود که «ادبیات باید پلی باشد بین دنیای رنگین بی خبری ورؤیایها و خیالهای شیرین کودکی و دنیای تاریک و آگاه غرقه در واقعیت‌های تلخ و دردآور و سرسخت محیط اجتماعی بزرگترها.. جهان‌بینی دقیقی به بچه داد.» (تاریخ ادبیات کودک و نوجوان در ایران، ص ۲۳۳-۲۳۴)

درویشیان، علی اشرف : در ۳ شهریور سال ۱۳۲۰ در یک خانوادهٔ کارگری در محلهٔ ابشوران شهر کرمان به دنیا آمد. درویشیان در داستانهایش به مردم فرودست میپردازد. همچنین بسیاری از داستانهای درویشیان بخشهایی از زندگی اجتماعی خودش را به تصویر میکشد. در آثارش به شاگردان خود و نیز محیط فقرزدهٔ شهر کرمانشاه و روستاهای اطراف آن میپردازد و بسیاری از محرومیت‌های مردم را بیان میکند.

فرجام، فریده: فریده فرجام در ۲۲ دی ۱۳۱۷ در تهران به دنیا آمد. نویسنده کودکان، نمایشنامه‌نویس، نویسنده و شاعر بزرگسالان اهل ایران میباشد وی نخستین زن نمایشنامه‌نویس ایرانی است که در دهه ۱۳۳۰ خورشیدی نمایشنامه نوشته است. «بازآفرینی و بازنویسی در ادبیات کودک و نوجوان، ص ۱۶۷)

مجبایی، جواد: در سال ۱۳۱۸ در قزوین به دنیا آمد. وی شاعر، نقاش، محقق ادبی-هنری، روزنامه نگار، طنزپرداز، نمایشنامه‌نویس، فیلمنامه‌نویس و داستان‌نویس است. از او تا به حال دهها کتاب در زمینه داستان منتشر شده است.

میرکاظمی، سید حسین: فرزند فاطمه و آقا نظام در سال ۱۳۲۱ در گرگان به دنیا آمد. وی معلم دبیرستانها و مدرس مراکز تربیت معلم بوده و در سال ۱۳۷۲ بازنشسته شد و در فرودین سال ۱۳۵۸ به همراه جمعی دیگر کانون نویسندگان و شاعران را در گرگان تأسیس کرد. تاکنون نزدیک به ۴۰ عنوان کتاب در حوزه‌های ادبیات داستانی بزرگسال، کودک و

نوجوان و ادبیات عامیانه منتشر کرده است.

نعمتی، اکبر: از سال ۱۳۵۲ کار در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان را آغاز و در چهار سال، هشت کتاب منتشر کرده است. (بررسی ادبیات کودک، ص ۱۲۹)

یاقوتی، منصور: متولد ۵ اسفند ۱۳۲۷ در روستای کیه‌نان شهرستان سنقر در استان کرمانشاه (داستان‌نویس، شاعر و منتقد ادبی است. وی در زمینه داستان کوتاه و داستان بلند فارسی متون درخشانی خلق کرده است و یکی از چهره‌های شاخص و مطرح در میان نویسندگان نسل دهه ۴۰ و ۵۰ ایران می‌باشد.

۲-۴- درونمایه‌های داستانه‌ها:

۲-۴-۱- درونمایه سیاسی :

در بیشتر داستانه‌ها، شاهد درونمایه سیاسی هستیم؛ گاهی این درونمایه سیاسی، پدیده استعمار را مورد توجه قرار میدهد و فرزندان ایران را از کارشکنی بیگانگان و دخالت ایشان در امور داخلی و ایجاد شکاف میان طبقه‌های مختلف آگاه میکند. نمونه این مساله را در داستان «کلاغها» می‌بینیم که داستان حکایتگر باغی است که پرنده نخ ریسک و درخت چنار و سرو در آن به خوبی و خرمی در کنار هم زندگی میکنند تا اینکه دسته‌های کلاغ سر می‌رسند و شروع به تفرقه افکنی بین این افراد میکنند و تا حد زیادی موفق میشوند؛ نخ ریسک تلاش بسیار میکند که توطئه‌های کلاغها را خنثی کند اما موفق نمیشود و با دلی شکسته از باغ بیرون می‌آید و در نهایت به سمت سیمرغ میرود و با کمک سیمرغ کلاغها را از باغ بیرون میکند.

پیام سیاسی این داستان، در یک قالب نمادین بیان میشود؛ به گونه‌ای که باغ نماد ایران و جامعه ایرانی است و فضای ابتدایی داستان بازنمای سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» است که از ابتدای استعمار جامعه و حتی حکومت‌های ایرانی از آن رنج می‌برده‌اند و کشورهای استعمارگری مثل انگلیس و روسیه و آمریکا همواره با تفرقه افکنی میان ملت و دولتمردان دلسوز سعی در تامین منافع خود داشته‌اند که شاید بارزترین این مساله در پیش از انقلاب کودتا علیه دولت مصدق و ایجاد تفرقه بین ملیگراها (طرفداران مصدق) و مذهبیها (طرفداران آیه الله کاشانی) باشد.

بر این اساس، نخ ریسک نیز نماد طبقه آگاه و روشنفکر جامعه است که همواره در پی آگاه کردن ملت است و کلاغها، رمز بیگانگانی هستند که با فتنه‌انگیزی، در پی بهره‌برداری از کشور و تصاحب آن هستند. دو شخصیت سرو و چنار، نماینده مردم عادی جامعه هستند که سریع تحت تاثیر تبلیغات بیگانه قرار می‌گیرند.

در پایان داستان، نخ ریسک (روشنفکر جامعه) با یاری سیمرغ است که میتواند بر کلاغها پیروز شود. سیمرغ نماد ملیگرایی ایرانی است که دو مدلول ایرانی و دینی (عرفانی) در خود دارد.

در داستان «پسرک و رویا»، نویسنده تفاوت طبقاتی در جامعهٔ ایرانی را به تصویر میکشد؛ اما با زیرکی هرچه تمامتر، مکان داستان را خیابان شاه رضا بیان میکند که انتخاب این مکان هدفمند بوده است و بار معنایی سیاسی دارد.

به عبارت دیگر، نویسنده در پی بیان اوضاع اجتماعی ایران در دورهٔ پهلوی است؛ اما نمیتواند داستان اجتماعی را به شکلی آشکار به سمت وسوی اعتراض به خاندان پهلوی بکشد. به همین منظور، انتخاب خیابان مذکور به عنوان مکان داستان، القاگر این مساله است که خیابان نمادی از جامعهٔ ایران در زمان پهلوی است.

در داستان «روزنامهٔ دیواری مدرسهٔ ما» نیز نویسنده به شکلی نمادین ساختار سیاسی جامعهٔ دوران حکومت پهلویها را به انتقاد میگیرد.

این داستان، یک داستان نمادین است. در واقع، مدرسهٔ «ایران» همان جامعه ایران پیش از انقلاب است که در راس آن حاکمی مستبد قرار دارد. مدیر در این داستان، نماد حاکم یا طبقه حاکم است. طبقه‌ای که تنها به فکر پیشرفت خود است و تنها رای و نظر خود را میبیند و به اطرافیان خود توجه دارد. به گونه‌ای که ناظم مدرسه، برادر او و مستخدم نیز از آشنایان و فامیل او هستند. این شخصیت هیچگونه انتقادی را بر نمیتابد و منتقدان خود را بی شعور و بدبین میخواند. نمونه بارز این استبداد را در جریان شیرهای مسهل و سخنرانی مدیر بعد از اعتراض دانش آموزان میبینیم:

«هر وقت ما اصلاحاتی در جهت بهبود وضع دبیرستان انجام میدهیم، عده‌ای بیشعور و بدبین میخواهند آن را نادیده بگیرند. ولی ما نمیگذاریم حاصل زحماتمان به باد برود. مثلاً همین شیری که میخورید، آیا بد چیزی است؟!» (روزنامهٔ دیواری مدرسهٔ ما، ص ۱۴).

شخصیت دیگری که در کنار مدیر قرار میگیرد و نقش عمده‌ای در داستان دارد، مستخدم مدرسه، آتقی، است. آتقی مامور انجام دستوره‌های مدیر است به گونه‌ای که کار تنبیه کردن و توقیف بچه‌ها توسط او انجام میشود. مدیر به ازاء این خدمت، بوفه مدرسه را به او واگذار کرده است. آتقی، نماد نیروی سرکوبگر حاکم است که در برابر منفعت هر ستمی را روا میدارد: «راستی باید میگفتم که آتقی هم از اقوام آقای مدیر بود. به همین خاطر با جان و دل کار میکرد، یعنی کتک میزد. چون هیچکس حاضر نمیشد مثل یک نوکر از صبح تا عصر به امر و نهی آقای مدیر عمل کند. آقای مدیر میکوشید همیشه از کسانی که قوم و خویشش بودند، استفاده کند. البته امتیازهایی هم به آنها میداد. آتقی اجازه داشت در مدرسه فروشگاه برپا کند و وای به حال محصلی که از بیرون کاغذ و مداد یا شیرینی یا چیزهای دیگر میخرید.» (همو: ۱۴).

شخصیتهای راوی، امید، افشین و حسین نماینده نسل جوان و هنرمند هستند. نسل هنرمندی که باید در ضمن یک جامعه استبداد زده زندگی کنند. یکی دیگر از شخصیتهای

دانش‌آموزان که بر تیپ خاصی از افراد در جامعه ایران پیش از انقلاب دلالت میکنند، شخصیت سیروس است. سیروس نماد آن قشری از هنرمندان یا مردم است که برای پیشرفت به سمت نیروی حاکم متمایل میشود و به هواخواهی از آن بر میخیزد. سیروس برای رسیدن به اهدافش دست به هر کاری میزند و همیشه در حال ایجاد نفاق و تفرقه در میان اعضای انجمن است:

سیروس، دانش‌آموز جدیدی است که در میانه ترم از تهران به کرمانشاه و دبیرستان ایران می‌آید. سیروس در بافت و سیاق این داستان، نماد هنرمندان غیر متعهد و قلم به مزدی است که هنر و علمش را در خدمت حاکم درآورده و با حمایت از او، سعی در خفه کردن جریان اصلاحات و بیداری ملت دارد. سیروس ابتدا همراه با دیگر دوستان خود است و خط مشی آقای هوشیار را دنبال میکند، اما در ادامه منحرف میشود و نشریه‌ای دایر میکند که در آن چاپلوسی مدیر را مینماید:

«سیروس به پا خاست و با لحن چاپلوسانه همیشگیش گفت: جناب آقای مدیر، در روزنامه دیواریمان حتماً درباره اقدامات جنابعالی خواهیم نوشت. بنده هم قصیده‌ای درباره شیر خشک گفته‌ام که به زودی در روزنامه خواهیم آورد.» (همو: ۲۳).

از دیگر داستانهای این دوره که در آن مضامین سیاسی به شکلی ضمنی اشاره میشود، ماهی سیاه کوچولو است؛ این داستان کاملاً نمادین و تمثیلی است و هرچند، زبانی کودکانه دارد اما در زیر ساخت خود، پیامهای بزرگسالانه میدهد. «بهرنگی در این داستان به خواننده می‌آموزد که چگونه باید باشد: رفتن، دیدن، شناختن، لذت بردن، از مرگ نترسیدن و تا امکان زندگی است به پیشواز مرگ نرفتن و در زندگی مفید به حال دیگران بودن را.» (کند و کاوی در آثار صمد بهرنگی، ص ۸۴). ماهی سیاه کوچولو، در واقع استعاره از نسل جوانیست که در پی تغییر و تعالیست و در این راه حاضر است تا هزینه‌هایی مثل ترک خانواده، مبارزه با جو حاکم و طرد از سوی جامعه و حتی صید مرغ ماهیخوار شدن را هم به جان بخرد تا به خواسته‌هایش برسد «تصمیم گرفتم خودم بروم آخر جویبار را پیدا کنم. دلم میخواهد بدانم جاهای دیگر چه خبرهایی هست.» (ماهی سیاه کوچولو، ص ۵)

همچنین داستان یک شیر واقعی با تأثیر از اوضاع سیاسی نوشته شده و نمونه‌ای دیگر از حضور اندیشه سیاسی در ادبیات کودکان و نوجوانان است. این داستان بیشتر بنمایه استعاری دارد. این داستان داستان یک شیری واقعی با زندانبانهای خود درگیر میشود و شجاعت را به شیرهای دربند می‌آموزد. آنها نیز بندها را میگسلند و رها میشوند. «از دیدن همه این چیزها ناراحت و عصبانی میشد دلش نمیخواست مثل آنها باشد و دستورهای این و آن را انجام دهد. میخواست آزاد باشد و به اراده خودش کار کند.» (یک شیر واقعی، ص ۶)

در برخی از داستانهای انتخاب شده، به مسأله شکاف طبقاتی اشاره میشود. این مسأله در داستان «اولدوز و کلاغها» به صورت نمادین مطرح میشود. در این داستان، گاهی کلاغها به مثابه شهروندانی تصور میشوند که از حقوق خود محروم مانده‌اند. این موضوع را میتوان در دیالوگ زیر بین آقا کلاغه و اولدوز مشاهده کرد:

«ننه‌ام میگفت: «مگر ما توی این شهر حق زندگی نداریم؟ چرا نباید با هر که خواستیم آشکارا دوستی نکنیم؟» (اولدوز و کلاغها، ص ۳۲).

در برخی سطرهای داستان، مخاطب اینگونه برداشت میکند که کلاغها نماد طبقه کارگر جامعه هستند که به هر نحوی شده است، در پی استیفای حقوق از دست رفته خود هستند و به همین منظور دزدی را عیب نمیدانند و آن را ضرورتی به شمار می‌آورند:

«گفت ای زن بابای نفهم، تو خیال میکنی که کلاغها از دزدی خوششان می‌آید؟ اگر من خورد و خوراک داشته باشم که بتوانم شکم خودم و بچه‌هایم را سیر کنم، مگر مرض دارم که باز هم دزدی کنم؟... شکم خودتان را سیر میکنید، خیال میکنید همه مثل شما هستند!...» (همو: ۳۳).

در داستان پسرک و رویا نیز تفاوت طبقاتی را در تقابل کودک و خانواده روستائیش، با محیط شهر مشاهده میکنیم. به عبارت دقیقتر، این تقابل در ضمن تقابل روستا و شهر مطرح میشود. توصیف روستا در این داستان، فضای زیادی را نمیگیرد. اما آنچه از این داستان برداشت میشود، روستا در ابتدا نماد جمع و همدلی است:

«غذا به دهنش خیلی خوشمزه می‌آمد. مزه ناهار عاشورا را داشت. مزه غذا و دست به دست کردن بشقابهای پر از برنج او را به یاد ده انداخت. هر سال روز عاشورا با بچه‌ها میرفت سینه زنی. ظهر که دسته به مسجد برمیگشت با دو سه تا از رفقاییش توی مسجد روی حصیر دایره‌وار مینشستند و وسط را به اندازه یک مجمعه خالی میگذاشتند. بیشتر وقتها هم دو سه بار غذا میگرفتند.» (پسرک و رویا، ص ۱۴-۱۵).

در نقطه مقابل این، شهر قرار دارد که سرشار از انزوا و بی تفاوتی و بی مهری است. به گونه‌ای که تنها یاور و حامی کودکی گرسنه که از فرط گرسنگی بیحال و مدهوش شده است، سگی ولگرد در خیابان است. این سگ با لیسہ بر زخم سر کودک او را از حالت بیهوشی بیدار میکند و اینچنین داستان پایان مییابد.

همچنین در داستان «روزنامهٔ دیواری مدرسهٔ ما» میبینیم که در روز جشن مدرسه مدیر، دانش‌آموزان فقیر را جدا میکند و به آنها اجازهٔ شرکت در جشن را نمیدهد تا مبادا ظاهر فقیر دانش‌آموزان، وجه مدیر را در برابر استاندار خراب نمایند:

«بعد از ظهر بود. قبل از آغاز جشن آقای مدیر دستور داد بچه‌هایی که لباس پاره پوره داشتند در انبار زندانی شوند و در جشن شرکت نکنند. چون میترسید که آقای استاندار

ناراحت بشود. مرا با یک عدهٔ پنجاه نفری درون انبار مدرسه کردند و درش را بستند. ساکت و غمزده نشسته بودیم... من سوزناک گفتم: چرا نگذاشتند ما هم جشن را ببینیم؟ مگر هر کس لباس نو نداشته باشد، آدم نیست؟» (روزنامهٔ دیواری مدرسهٔ ما، ص ۱۶).

علاوه بر این داستانها، بنمایهٔ شکاف طبقاتی در سه داستان «اولدوز و عروسک سخنگو» و «پسرک لبوفروش» و «۲۴ ساعت در خواب و بیداری» از صمد بهرنگی دیده میشود. در داستان اولدوز و عروسک سخنگو او از همان آغاز قصه در مقدمه‌ای، شکاف عمیق طبقاتی را مورد توجه جدی خود قرار داده و از زبان عروسک سخنگو اعلام میدارد که «هیچ بچهٔ عزیز دردانهٔ خود پسندی حق ندارد قصهٔ من و اولدوز را بخواند. بخصوص بچه‌های ثروتمندی که وقتی توی ماشین سواریشان مینشینند پز میدهند و خودشان را یک سرو گردن از بچه‌های ولگرد و فقیر کنار خیابانها بالاتر میبینند و به بچه‌های کارگر هم محل نمیگذارند.» (قصه‌های صمد بهرنگی (متن کامل ۲۲ قصه)، ص ۱۲۸)

همچنین در داستان ۲۴ ساعت در خواب و بیداری نیز وجه غالب تصاویر در خدمت نشان دادن عمق فاصلهٔ طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی حاکم بر جامعه میباشد. شخصیت‌هایش را به دنبال کار تا شهرهای دور میکشاند. در انتها در داستان پسرک لبو فروش نویسنده نیز از فاصله طبقاتی، بی‌عدالتی و فقر مینالد. او با به تصویر کشیدن فقر، تنفر خود را از سرمایه داران و استثمارگران ابراز میدارد. قهرمانانش را به مبارزه با این افراد میکشاند و بالاخره پیروز میکنند و در واقع نوید رهایی میدهد، به هر آن کسی که در مقابل ظلم و جور می ایستد و مبارزه میکند.

۲-۴-۳- ماجراجویی:

درونمایهٔ ماجراجویی را به بارزترین شکل ممکن در داستان «گل بلور و خورشید» میبینیم. گل بلور در این داستان نماد کسی است که سرشار از میل به دانستن و تغییر و ماجراجویی و رهایی و مهربانی است. او در زمانی که خورشید به قطب آمده، چیزهای زیادی از او میآموزد و زمانی که خورشید می‌رود، میخواهد که با او سفر کند و رها شود و چنان نوری بر دیگر سرزمینها تابیده گردد.

گل بلور به خورشید گفت: «آگه تو بری، این جا شب میشه، تاریک میشه من دیگه جایی رو نمیبینیم.» خورشید غصه‌اش شد، خورشید از غصه کبود رنگ شد و سرش را تکیه داد به دیوار آبی آسمان. گل بلور فریاد زد: «خورشید! خورشید! منم همراهت ببر. منو بچین، تو گلدون اتاقت بذار.» (گل بلور و خورشید، ص ۱۹).

در داستان اولدوز و کلاغها، ماجراجویی در ضمن سفر اولدوز و یاشار به شهر کلاغا دیده میشود. آن دو برای این سفر با همدلی فراوان تلاش میکنند و توری میبافند که در آن جای بگیرند و کلاغها آن را حمل کنند.

«اولدوز گفت: مرا چجوری میبرید پیش خودتان؟»

ننه بزرگ گفت: پیش از هر چیز تور محکمی لازم است. این را باید خودتان ببافید. اولدوز گفت: تور به چه دردمان میخورد؟ ننه بزرگ گفت: فایده اولش این است که کلاغها یقین میکنند که شما تنبل و بیکاره نیستید و حاضرید برای خوشبختی خودتان زحمت بکشید. (اولدوز و کلاغها، ص ۶۱).

در داستان «سیبو و سار کوچولو» نیز شاهد این موضوع هستیم. بارزترین نکته مثبتی که این داستان خیال انگیز برای کودکان دارد، برانگیختن حس ماجراجویی و حس تغییر در ایشان است. و از آنجاکه شخصیت‌های اصلی این داستان، دو دختر بچه هستند، ماجراجویی موضوع مهمی است که تقویت آن به شکلی معتدل، در میان دختر بچه‌ها ضروری به نظر میرسد؛ چراکه در جوامع سنتی سعی میشود که دختران با نوعی محافظه کاری و هراس پرورش یابند و این حساسیت فراوان ممکن است حس ماجراجویی را از ایشان سلب کند. همچنین در داستان کلاغها نیز شاهد ماجراجویی نخریسک و سفر به سمت سیمرغ شروع میشود. در این داستان نخ ریسک برای موفق شدن در بیرون راندن کلاغها از هیچ تلاشی کوتاهی نمیکند:

«سنگ گفت: پرندهٔ کوچک چرا اینقدر غمگینی؟ شاید شکارچیها دوستت را شکار کرده‌اند. پرنده جواب داد: نه ... من برای دو درخت خوب غمگینم و داستان کلاغها را باز گفت. دل سنگ سوخته و به او راهی را نشان داد: سیمرغ پرندهٔ بزرگ و نیرومند کوه را خبر کن.» (کلاغها، ص ۱۸).

این موضوع هم در داستان «ماهی سیاه کوچولو» از صمد بهرنگی نیز دیده میشود. تم این داستان، ماجراجویی برای کشف ناشناخته‌ها و نهراسیدن از مرگ است.

۲-۴-۴- تلافی حماسه و عرفان:

بارزترین این موضوع را در داستان کلاغها و سفر نخریسک به سمت سیمرغ میبینیم. سیمرغ در ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی نماد دو مفهوم کلی است. اولین بار معنایی که از سیمرغ برداشت میشود، نماد سنتها و باورهای حماسی ایرانی است. سیمرغ نمادی باستانی است که بارها به کمک پهلوانان ایرانی و ایران آمده است. هنگامی که زال به آغوش خانواده بر میگردد، پری از سیمرغ را با خود میآورد تا هنگام درماندگی، وی را یاری کند. دو بار سیمرغ در شاهنامه، وارد میشود و هر بار گرهی از کار فروبسته زال میگشاید: یک بار هنگام زادن رستم از مادر؛ و بار دیگر در نبرد رستم با اسفندیار؛ در آن هنگام که رستم و رخس زخمهای سهمگین برداشته بودند و زال با چاره‌جویی سیمرغ بر درخت گز دست یافت و رستم با پیکان به زهر آب داده، کار اسفندیار را یکسره کرد. بنابراین سیمرغ در اینجا از هنگام قدرت یافتن زال و رستم تا روزگار ناپدید شدن آنان، عامل بهروزی و کامروایی آن دو بشمار میرود. از این

رو برخی نظر داده‌اند که این مرغ، فرشته نگهبان یا «توتم» قوم سکا (خاندان رستم) شمرده می‌شد. «فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، ص ۲۶۶-۲۶۷) معنای دیگری که از سیمرغ میتوان برداشت کرد «معنویت و فرهنگ دینی است.» (نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی، ص ۳۰۱)؛ به عبارت دیگر سیمرغ علاوه بر شاهنامه، در ادبیات عرفانی ایران نیز جایگاه والایی دارد که بارزترین آن را در منطق الطیر عطار مشاهده می‌کنیم.

منطق الطیر داستان سفر عده‌ای از پرندگان به کوه قاف است که به منظور رسیدن به آستان سیمرغ انجام می‌شود. «هر مرغ عنوان نماد دسته خاصی از انسانها است. و سیمرغ نیز بر اساس نظر اکثر محققان ادبیات، رمزی از وجود حق تعالی است.» (منطق الطیر، ص ۲۰۱۵). بر این اساس میتوان ادعا کرد که در داستان کلاغها نیز سیمرغ علاوه بر اینکه نماد ایرانیست، بار معنایی معنویت و دین را نیز در خود دارد.

سهروردی هم در رساله عقل سرخ (عقل سرخ، ص ۹) سیمرغ عرفانی را به «سیمرغ اسطوره‌ای که در شاهنامه آمده پیوند میدهد. مولانا هم در آثار خود سیمرغ را نماینده عالم بالا و مرغ خدا، ومظهر عالیترین پروازهای روح انسان کامل شناخته است.» (مثنوی معنوی، ج ۱، ص ۸۹).

نخریسک که در اصل پرنده است «به اندازه گنجشک یا بلبل که در ماه اسفند و فروردین هنگام جوانه زدن شاخه‌های توت و بید، و به آهنگی شبیه به صدای چرخ نخ ریزی زنان، آواز خواند.» (دهخدا، ذیل واژه). که در این داستان نمادی از یک روشنفکر ایرانی به طور خاص یا یک شهروند به طور عامتر است، زمانی که از بیرون راندن کلاغها (نماد بیگانگان) عاجز میشود دست به دامان سیمرغ می‌گردد. این امر میتواند بازگوکننده این مطلب باشد که یک روشنفکر و فرد آگاه ایرانی تنها زمانی میتواند جامعه خود را هدایت کند و در برابر بیگانگان و استعمارگران از آن محافظت نماید که به سنتهای ایرانی و معنوی و دینی تمسک جوید.

نمونه دیگر این تلاقی را در داستان بستور می‌بینیم. داستان بستور، بازآفرینی یک حماسه ایرانی است که با زبان کودکانه انجام میشود. این داستان شرح، یکی از جنگهای پی در پی ایرانیان و تورانیان است که در آن پهلوان ایرانی، زریر، یکه تاز میدان است و هیچ تورانی را یاری برابری با او نیست. در نهایت شاه توران ارجاسب به سران لشکرش وعده میدهد که هر کس بتواند زریر را بکشد، دخترش را به زنی او در می‌آورد و در نهایت جادوگر با حيله زریر را میکشد. در این بین سپاه ایران مشوش به خاطر از دست دادن سپهسالار ایران زمین است که فرزند خردسال زریر، بستور، به دنبال انتقام خون پدر به میدان جنگ میرود و کین او را میستاند. در انتهای داستان، بستور خردسال از شاه ایران میخواهد که سپهسالار ایران شود، اما گشتاسب به سبب خردسالی او را نمیپذیرد او به گوشه‌ای میرود و قهر میکند و غمگین

میشود و به گریه میافتد:

«شاه خندید و گونه‌اش را بوسید و گفت:

تو هنوز کودکی بیش نیستی، چگونه میخواهی سپهسالار ایران بشوی؟ ... او از پیش گشتاسب و سرداران بیرون رفت، غمگین بود. رفت به چادرش و روی تختش افتاد، گریه‌اش گرفته بود.» (بستور، ص ۲۳).

و در نهایت بستور از هرمزد بزرگ میخواهد که خواسته‌اش را اجابت کند و او را بزرگ و بالغ نماید تا بتواند سپهسالار ایران شود.

«در میان گریه از هرمزد، خدای خدایان یاری خواست، گفت:

ای هرمزد، به من یاری ده، زود بزرگم کن تا دیگر کسی به من نخندد، تا مرد شوم و نشان دهم که هیچکس از من شایسته‌تر نیست.» (همو: ۲۶).

در این داستان نیز میبینیم که فضای حماسی با رنگ و بویی معنوی به پایان تمام میرسد. در کنار دو داستان فوق، این تلاقی در داستان «پهلوان پهلوانان» از نادر ابراهیمی نیز دیده میشود. نادر ابراهیمی در این داستان با مدد گرفتن از شخصیت تاریخی - عرفانی پوریای ولی، برای کودکان داستانی سراسر آموزنده مینویسد. «پوریای ولی لقب محمود خوارزمی متخلص به قتال، عارف و شاعر قرن هفتم و هشتم است. وی در ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران جایگاه مهمی دارد.» (فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۷۷۰).

همچنین در داستان «دور از خانه» نوشتهٔ نادر ابراهیمی، و «سیبو و سار کوچولو» از جواد مجابی نیز، رگه‌هایی از عرفان دیده میشود. در دور از خانه شخصیت پیر خردمند را داریم که تداعیگر پیر دانا در ادبیات عرفانی فارسی است

سفر سیبو و سار با درویش و رفتن به قلعه عجایب و جنگ با طاووس جادوگر و ستمکار است شروع میشود و با پیروزی سیبو و سار و البرز (که خود را به شکل درویشی در آورده بود) تا پدر و مادر خود را از چنگال طاووس نجات دهد «سیبو و سار کوچولو، زیر سایهٔ درختی نشسته بودند. ناگهان از میان جنگل یک درویش کوچولو پیدا شد که لباس سفیدی پوشیده بود و تبر زین و کشکول در دست داشت درویش گفت: یادت باشد که لباس سفیدی پوشیده عجایب و قلعهٔ طاووس برای هر کسی ممکن نیست سیبو و سار کوچولو دنبال درویش راه افتادند. سه شبانه روز راه رفتند.» (سیبو و سار کوچولو، ص ۱۳-۱۴)

۲-۴-۵- کار جمعی:

درونمایهٔ کار دسته جمعی، در داستان اولدوز و کلاغها در ضمن تلاش سفر اولدوز و یاشار برای سفر به شهر کلاغها دیده میشود. «اولدوز گفت: مرا چه جوری میباید پیش خودتان؟ ننه بزرگ گفت: پیش از هر چیز تور محکمی لازم است. این را باید خودتان ببافید. اولدوز گفت: تور به چه دردمان میخورد؟ ننه بزرگ گفت: فایده اولش این است که کلاغها یقین

میکنند که شما تنبل و بیکاره نیستید و حاضرید برای خوشبختی خودتان زحمت بکشید.» (اولدوز و کلاغها، ص ۶۱).

تلاش اولدوز و یاشار برای بافتن تور و همکاری کلاغها در حمل تور و نبرد ایشان با پدر و مادر بدجنس اولدوز بر یک همکاری دلالت میکند.

این مضمون در داستان «روزنامه دیواری مدرسه ما» در چند مورد دیده میشود. در این داستان میبینیم که تعدادی از دانش‌آموزان دست به تهیه یک روزنامه دیواری و راه اندازی انجمن میزنند که بارها با کارشکنی بدخواهان از هم میخورد. اما در هر بار دانش‌آموزان با انگیزه بیشتر به کار خود ادامه میدهند:

«دیگر آقای هوشیار را ندیدیم. اما میکوشیدیم تا به خواسته‌هایش عمل کنیم. با وجود آنکه پدرم به خاطر استخوان دردش بیکار شده بود و تنها نانی بخور و نمیر در سفره داشتیم، میکوشیدم ده شاهیهام را پس انداز کنم. برای یک نماینده مطبوعات روزنامه‌ها و مجله‌های را پخش میکردم و پولی میگرفتم و در میان راه هم از آنها میخواندم و کیف میکردم... با این شرایط پولهای ته جیبیمان را جمع کردیم، کاغذ خریدیم و روزهای جمعه در خانه یکی از بچه‌ها جمع شدیم و شروع کردیم به روبه راه کردن روزنامه.» (روزنامه دیواری مدرسه ما، ص ۲۰).

همکاری در داستان سیبو و سار کوچولو در آنجایی که البرز از سیبو و سار کوچولو میخواهد که برای گرفتن انتقام خون پدر و مادرش از جادوگر و ططاووس (حاکم قلعه) به او کمک کنند، دیده میشود. البرز با کمکهای این دو هست که میتواند ططاووس را شکست دهد:

«درویش گفت: همه از جادوگر میترسند، من در جستجوی کسی بودم که از جادو نترسد. سار کوچولو میتواند از قلعه برای ما خبر بیاورد شب که شد البرز و سیبو لباس عیاری پوشیدند، وسط چهار سوق آمدند و سنگ بر مشعل داروغه زدند. البرز نعره زد: به جادوگر بگویید البرز به خونخواهی پدر آمده است. این را گفت و با سیبو در سیاهی شب ناپدید شد. چند شب کار البرز و سیبو این بود.» (سیبو و سار کوچولو، ص ۲۱).

مضمون کار جمعی در داستان «پسرک لبوفروش» از صمد بهرنگی نیز میبینیم؛ به شکلی که در این داستان شخصیت تاری وردی که به همراه خواهرش از کارگاه اخراج شده‌اند، دست به کار دو نفره میزنند و خواهر لبو میپزد و برادر آن را به فروش میرسد و از این طریق به زندگی خود سرو سامان میبخشند.

همچنین چنانچه از عنوان داستان «وقتی یکی شویم» از صادق مشعوف برمیآید، این داستان دلالت بر کاری جمعی دارد. در این داستان بچه‌های کلاس شیمی با همکاری و همدلی میتوانند بر معلم کمار شیمی و مدیر حامی او پیروز شوند. «عده‌ای عقیده داشتند که امتحان ندهیم و دسته‌ای هم معتقد بودند که اصلاً فرد مدرسه نیاییم که یک وقت مجبور

شویم که امتحان بدهیم.» (وقتی یکی شویم، ص ۲۳).

۲-۴-۶- خشونت:

خشونت، فضا و مکان داستان را به خوبی نشان میدهد و انگهی این طبیعت خشک و خشن، هراسناک و اضطراب‌انگیز، بیرحم و سلطه‌جو، خصمانه و توانفرسا به نظر میرسد. با توجه به نظریهٔ تاثیر محیط بر خصلتهای اخلاقی فرد، طبیعتی چنین ناملایم و ناسازگار بدون شک در بطن خود قهرمانی را میپروراند که او نیز به همین نسبت میتواند خشن و سنگدل باشد. در حقیقت نیز زایر محمد به زعم میرعابدینی «خشونت را شیوهای ضروری برای مقابله با شرایط تعقیب و ارباب اجتماعی میداند.» (گذری بر داستان نویسی فارسی، ص ۱۴۶).

داستان «اولدوز و کلاغها» با وجود جنبه‌های مثبت زیادی که دارد، خالی از پیامهایی منفی نیز نیست. در قسمتی از داستان یاشار و اولدوز برای نجات دادن جان آقا کلاغه به خشونت متوسل میشوند و سگ داخل حیاط را میکشند. این موضوع، ناخودآگاه باعث عادی ساختن مساله کشتن در بین کودکان میگردد. مخصوصاً اینکه، پیش از انجام اینکار مساله گناه مطرح میشود و یاشار با دیدی ماکیاولیستی که تنها به هدف نگاه میکند، این قضیه را توجیه مینماید.

نمونه این موضوع را در جای دیگری از داستان نیز میبینیم. در قسمتی از داستان، پدر و زن بابای اولدوز برای مقابله با کلاغها، سگ را به حیات خانه آورده‌اند و این امر باعث میشود که اولدوز و یاشار نتوانند، به آقا کلاغه در زیر بالکن پنهانش کرده‌اند، سر بزنند و به او پرواز یاد دهند. در این قسمت یاشار به اولدوز پیشنهاد میدهد که سگ را بکشند و در اینجا باز هم اولدوز بحث گناه را مطرح میکند اما برخورد یاشار با این مساله منطقی است:

«یاشار گفت: گناه؟ نمیدانم. من نمیدانم گناه چیست. اما مثل اینکه راه دیگری نیست. ما که به کسی بدی نمیکنیم گناه باشد.» (اولدوز و کلاغها، ص ۴۲).

در داستان بستور کشتن حضور بسیار پررنگی دارد. شاید اینگونه تصور شود که در این داستان به دلیل فضای حماسی، مراد از کشتن، کشتن دشمن و دفاع از وطن است. اما در حقیقت اینگونه نیست؛ چراکه واژه کشتن از همان ابتدای داستان و هنگامی که مخاطب خردسال هنوز ذهنیتی نسبت به تورانیان ندارد و هنوز در داستان، شخصیت منفی و مثبت به درستی پرداخته نشده است، مطرح میشود. به عنوان مثال در ذیل مشاهده میکنیم که کاربرد واژه کشتن در یک صفحه حضور بسیار پررنگی دارد.

«سرانجام چند تن از سرداران تورانی به جنگ زریر آمدند و همه کشته شدند.» (بستور،

ص ۵).

در ادامه همین صفحه مشاهده میکنیم که در یک سطر، سه بار از واژه کشتن استفاده شده است که به نوبه خود میتواند تأثیر منفی بر ذهن مخاطب خردسال بگذارد و این مسأله را برای

او امری عادی و ساده تلقی نماید:

«وقتی ارجاسب، پادشاه تورانیها، از بالای کوه دید که زریر پهلوانان تورانی را یکی پس از دیگری میکشد، هراسان شد و به سردارانش گفت: «از شما تورانیها کسی نیست که به جنگ زریر برود و او را بکشد؟» هیچ کس سخن نگفت. ارجاسب فریاد زد: «هر کس زریر را بکشد، دخترم زرستون را به زنی او میدهم.» (همو: ۵).

۲-۴-۷- مذهبی

سید حسین میر کاظمی در داستان مثل عاشورا صحنه‌های واقعه عاشورا در داستانی کودکانه بازسازی کرده است. حسین شخصیت اصلی داستان، نوجوانی است که در کتابهای درسی درباره واقعه عاشورا خوانده است و اکنون میخواهد بداند چرا پدرش در تعزیه روز عاشورا نقش شمر را بازی میکند «بچه‌ها دو گروه میشوند: یک گروه چنگیز و تیمور هستند و نقش بدکاران را بازی میکنند و گروه دیگر، حسین، قاسم، اکبر و عباس که در گروه بچه‌های نیک کردار قرار دارند.» (مثل عاشورا، ص ۴).

۲-۴-۸- تربیتی - سرگرمکننده

این داستان روایت دخترک بازی گوش به نام هلی است، خود را با آزار و اذیت دیگر کودکان محل سرگرم میکرد. کودکان محله که برخی از آنان مانند لیلی، مهری، خسرو، زینب با هلی همبازی بودند هرکدام اوقات فراغت خود را به کاری مشغول بودند، اما هلی برخلاف هم بازیهای خود که مواظب بودند بازی و سرگرمی آنها باعث آزار و اذیت اطرافیان نشود از این کار خود که مزاحمت برای هم محله‌ها بود لذت میبرد تا جایی که مادر هلی نیز طاقتش طاق شده و از او پیش بزرگترها ناله و شکایت میکرد از قضا پیرمردی که مهمان آنها بود از مادر هلی میخواهد تا چند وقتی هلی را برای زندگی در فضای دور از خانه به او سپرده تا از این طریق او متنبه شده و رفتارش اصلاح شود. «هلی از دست دخترش به آقا پیرمردی که از یک شهر دور آمده بود تا چند روزی مهمان خانواده هلی خانم باشد، شکایت کرد.» (دور از خانه، ص ۸). بعد از ماجراها در انتهای داستان میبینیم که هلی پذیرفته بود که دیگر رفتار اشتباه خود را تکرار نکند و دختر خوبی باشد. اکنون هلی دختری بزرگ و عاقل شده و گلها را آب میدهد.

جدول شماره ۱: درونمایه داستانهای انتخاب شده (البته برخی از این داستانها چند درونمایه دارد یکی اصلی و یکی یا دو فرعی و ما درونمایه اصلی در این جدول را در نظر گرفته‌ایم).

درونمایه							نام داستان
تربیتی سرگرم کننده	شکاف طبقاتی	مذهبی	کار جمعی	ماجراجویی	تلاقی حماسه و عرفان	سیاسی	
						*	کلاغها
						*	پسرک و رویا
						*	روزنامهٔ دیواری مدرسهٔ ما
						*	داستان یک شیر واقعی
	*						پسرک لبو فروش
	*						۲۴ ساعت در خواب و بیداری
	*						پسرک و رویا
	*						درخت خشک و باغ پر گل
	*						اولدوز و کلاغها
	*						اولدوز و عروسک سخنگو
				*			گل بلور و خورشید
				*			سیبو و سار کوچولو
*							دور از خانه
			*				وقتی یکی شویم
			*				سیل
		*					مثل عاشورا
					*		بستور
					*		پهلوان پهلوانان

جدول شماره ۲: تعداد و درصد درونمایه‌ها

درونمایه	تعداد	درصد	درونمایه	تعداد	درصد
شکاف طبقاتی	۶	۳۳,۳۳	کار جمعی	۲	۱۱,۱۱
سیاسی	۴	۲۲,۲۲	مذهبی	۱	۵,۵
ماجراجویی	۲	۱۱,۱۱	تربیتی - سرگرمکننده	۱	۵,۵
تلاقی حماسه و عرفان	۲	۱۱,۱۱			

نتیجه‌گیری:

شرایط اجتماعی و سیاسی خاص حاکم بر دوره پهلوی باعث شده است که سیاست به صورت نمادین در آثار داستانی کودک و نوجوان این دوره دیده شود. به عبارت دیگر، یکی از اهداف نویسندگان در این دوره آگاهی سیاسی کودکان و نوجوانان از شرایط حاکم بر کشور است و نسبت این درونمایه از درونمایه مجموع داستانهای بررسی شده ۲۲,۲۲٪ بوده است. از دیگر نمودهای حکومت پهلوی، شکاف طبقاتی است که این مسأله در داستانهای مورد بررسی مشهود است و گاه به صورت فقیر و ضعیف، شهری و روستایی و گاه نیز در ضمن حقوق کارگری خود را نشان میدهد و نسبت این درونمایه بالاترین نسبت ۳۳,۳۳٪ بوده است. بنابراین آگاه کردن کودکان و نوجوانان از یک نظام سیاسی سلطه‌گر و جامعه طبقاتی مهمترین مشخصه‌هایی است که در آثار مورد بررسی از دوران پهلوی توصیف میگردد. اما این آثار تنها دربردارنده توصیفات نیست و پیامدهایی را نیز در پی دارد که مهمترین آن احساس نیاز به تغییر است؛ تشویق به تغییر و ماجراجویی تم برخی از داستانهاست که نسبت آن ۱۱,۱۱٪ بوده است؛ گویی حضور این درونمایه بدین سبب است که هراس نسل نو از تغییر شرایط کنار برود.

تلاقی عرفان و حماسه از یک سو و کار جمعی و تلاش و امید نیز از سوی دیگر که نسبت این هر دو درونمایه ۱۱,۱۱٪ است، راهکارهای دیگری هستند که توسط نویسندگان به ذهن و فکر کودکان القا میگردد و گاه نیز دیده میشود که شخصیت‌های داستان (مثل داستان اولدوز و کلاغها) در برابر شرایط تحمیلی، به سمت خشونت متمایل میگردند. بنابراین به صورت کلی، شکاف طبقاتی، سیاست، تلاقی عرفان و حماسه، ماجراجویی و کار جمعی پرتکرارترین مضامین آثار هستند، اما دو درونمایه مذهبی و تربیتی-سرگرم کننده که نسبت هر یک از آنها ۵,۵٪ بوده است، با وجود اهمیت، کمتر مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است.

فهرست منابع:

- آشنایی با ادبیات معاصر ایران، رحیمیان، هرمز، (۱۳۸۵)، ویرایش: توفیق سبحانی، تهران: پیام نور.
- اولدوز و کلاغها، بهرنگی، صمد، (بی تا)، انتشارات شمس.
- بازآفرینی و بازنویسی در ادبیات کودک و نوجوان، ذبیح نیا عمران، آسیه و یگانه مهر، حسین، (۱۳۹۳)، انتشارات فدک، چاپ اول.
- بررسی ادبیات کودک، صادقی، فرخ، (۱۳۵۷)، انتشارات رز، چاپ اول.
- بستور، بهار، مهرداد، (۱۳۵۴)، سازمان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ صفا.
- پسرک و رویا، نعمتی، اکبر، (۱۳۵۸)، صدای جوان، چاپ سوم.
- تأملی دیگر در باب داستان، پراین، لارنس، (۱۳۷۶)، چاپ ششم، ترجمهٔ محسن سلیمانی، تهران، حوزه هنری، مؤسسهٔ انتشارات سوره.
- تاریخ ادبیات کودک و نوجوان در ایران، ذبیح نیا عمران، آسیه و بردخونی، حسین، (۱۳۹۳)، انتشارات فدک ایستاتیس، چاپ اول.
- داستان یک شیر واقعی، نعمتی، اکبر، (۱۳۵۲)، چاپ اول، سازمان انتشارات بامداد.
- دور از خانه، ابراهمی، نادر، (بی تا)، تهران، همگام با کودکان و نوجوانان، چ ۴.
- روزنامهٔ دیواری مدرسهٔ ما، درویشیان، علی اشرف (۲۵۳۷ شاهنشاهی)، انتشارات شبگیر، چاپخانه نوبهار.
- سیبو و سار کوچولو، مجابی، جواد (بی تا)، نقاشی بهمن دادخواه، سازمان انتشارات کانون پرورش فکری.
- عقل سرخ، سهروردی، شهاب الدین، (۱۳۷۴)، تهران انتشارات مولی.
- عناصر داستان، اسکولز، رابرت، (۱۳۸۳)، چاپ دوم، ترجمهٔ فرزانه طاهری، تهران نشر مرکز.
- عناصر داستان، میرصادقی، جمال، (۱۳۸۰)، چاپ چهارم، انتشارات سخن.
- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما، (۱۳۸۰)، چاپ چهارم، تهران، مروارید.
- فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، یا حقی، محمد جعفر، (۱۳۶۹)، نشر سروش.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، نفیسی، سعید، (۱۳۴۸)، ج ۲، تهران.
- فی الادب و فنونه، ابو ملحم، علی، (بی تا)، بیروت.
- قصه‌های صمد بهرنگی (متن کامل ۲۲ قصه)، علیزاده، عزیز الله، (۱۳۷۷)، چاپخانه رامین، چاپ اول، تهران.

- کلاغها، ابراهیمی، نادر، (۱۳۵۴)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم.
- کند و کاوی در آثار صمد بهرنگی، آرام، عباس، (۱۳۵۷)، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.

- گذری بر داستان نویسی فارسی، قویمی، مهوش، (۱۳۹۳)، تهران: نشر ثالث.
- گل بلور و خورشید، فرجام، فریده، (۲۵۳۵ شاهنشاهی)، نقاشی نیکزاد نجومی، سازمان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ سوم، آذر ماه.
- لغتنامه، دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، ویرایش سوم، تهران: دانشگاه تهران.

- ماهی سیاه کوچولو، بهرنگی، صمد، (۱۳۴۷)، نقاشی از فرشید مثقالی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

- مبنای داستان کوتاه، مستور، مصطفی، (۱۳۷۹)، چاپ سوم، تهران، مرکز.
- مثنوی معنوی، مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۷۵)، تصحیح نیکلسون. ۶ جلد. چاپ اول. تهران: توس.

- مثل عاشورا، میر کاظمی، سید حسین (۱۳۵۴)، ناشر: آبان، چاپ اول.
- منطق الطیر، عطار نیشابوری، فرید الدین، (۱۳۴۲)، به اهتمام صادق گوهرین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی، واحد دوست، مهوش، (۱۳۷۹)، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.

- وقتی یکی شویم، مشعوف، صادق، (۱۳۵۳)، انتشارات شبگیر.

مقاله‌ها:

- ادبیات داستانی چیست، مهرور، زکریا، (۱۳۸۷)، مجله رشد معلم، سال هجدهم، شماره